زهرا زمانی برای گرفتن رضایت از خانواده‌هایی که یکی از اعضایش مرگ مغزی شده، نهایت تلاشش را به‌کار می‌گیرد / عکس: جاوش هماوندی

گفت‌وگو با بانویی که با رضایت‌گیری‌هایش تا به حال به بیش از ۴۷۰ بیمار نیازمند اهدای عضو، جان دوباره بخشیده است

جهاد برای «اهدای زندگی»

مریم خباز

جامعه

می‌شود زهرا زمانی را یك قهرمان دانست، بانویی که به دل ناشناخته‌ها می‌زند و خود را وارد پرونده‌هایی می‌کند که هر کسی دل ورود به آنها را ندارد. کار زهرا زمانی با مرگ آدم‌ها شروع می‌شود، با مرگ مغزی عزیزان مردم، با همان لحظه‌های پر استرس و پر از ناامیدی در بیمارستان‌ها. او سراغ خانواده‌های داغدیده می‌رود، سعی می‌کند به آنها نزدیك شود و دلداری بدهد و از بین جملاتی که برای تسکین ادا می‌کند راهی برای اهدای عضو عزیزشان پیدا کند. او تا به حال در این مسیر، برخورد سرد زیاد دیده، حرف سرد زیاد شنیده، کم محلی دیده و حتی حرف‌های رکیك شنیده ولی دست از رضایت‌گیری برنداشته. زهرا زمانی با این روحیه توانسته صاحب یك رکورد شود، او چهره شاخص ترویج اهدای عضو کشور است و موفق شده تا امروز از ۱۱۸ خانواده ۱۱۸ رضایت بگیرد و با اعضای اهدایی، جان بیش از ۴۷۰ نفر را نجات دهد. او خوشحال است، خوشحال، گرچه برای این رضایت‌گیری‌ها حتی التماس کرده و دست و پای خانواده‌های داغ‌دیده را بوسیده است.

ورود به پرونده بیماران مرگ مغزی و فرآیند اهدای عضو آنها از آن کارهای مشکل روزگار است چون شما درست موقعی وارد صحنه می‌شوید که خانواده‌ها با مرگ عزیزی روبه رو شده‌اند و داغشان تازه است، مثل یك زخم باز که کسی رویش نمك بریزد.

دقیقا همین طوراست. کار رضایت گیری ازاین خانواده‌ها فوق‌العاده مشکل است چون آنها مرگی ناگهانی را تجربه کرده‌اند که برایش آمادگی نداشته‌اند و در شوك به سر می‌برند. بیشتر این خانواده‌ها در روزهای اول پس ازمرگ مغزی اصلا حاضر نیستند این مرگ را قبول کنند و چون اندوه عمیقی را تجربه می‌کنند حتی حاضر به شنیدن پیشنهاد اهدای عضو نیستند. اما به هر حال مرگ مغزی خودِ مرگ است و باید با آن کنار آمد و چه بهتر که قبل از خاکسپاری و دفن شدن اعضای بدن فرد متوفی، اهدای عضو انجام شود.

چرا به این عرصه ورود کردید؟

من علاقه زیادی به کارهای عام‌المنفعه دارم مخصوصا به امور مربوط به حقوق شهروندی و مشکلات زنان، کودکان و سالمندان. من سال‌ها در این حوزه‌ها با بخش‌های مختلف همکاری کردم و سال ۹۲ که وارد شورای شهر یاسوج شدم جدی‌تر به این حوزه‌ها وارد شدم و چون رئیس کمیسیون اجتماعی و فرهنگی بودم واجب دانستم تشکیلاتی را برای حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی ایجاد کنم.

در همین زمان بود که با موسسه ملی مرهم که کارش درمان بیماران شکاف کام در مناطق محروم است آشنا شدم و سال ۹۴ درخلال فعالیت‌هایم به عنوان رئیس انجمن اهدای عضو کهگیلویه و بویراحمد نیز انتخاب شدم و کار جدی ام برای رضایت گیری ازخانواده‌ها آغاز شد.

وقتی رئیس انجمن اهدای عضو شدید تصوری از اهدای عضو و سختی این راه داشتید؟

در مورد اهدای عضو آگاهی داشتم و می‌دانستم روبه‌رو شدن با خانواده‌ای که در شوك از دست دادن عزیزی قرار دارد سخت است اما وقتی وارد بطن کار شدم دیدم سختی کار از تصور من فراتر است.

مهم‌ترین مشکل در مواجهه با این خانواده‌ها چیست؟

همین شوکی که به خانواده‌ها وارد شده و غم عمیقی که بر دلشان نشسته و اجازه نمی‌دهد براحتی به آنها نزدیك شویم.

یعنی خانواده‌ها فکر می‌کنند عزیزشان زنده خواهد شد و نباید حرفی از اهدای عضو زد؟

بله خیلی‌ها این طور فکر می‌کنند. حتی با این‌که پزشك برایشان توضیح می‌دهد که مرگ مغزی اتفاق افتاده و دیگر برگشتی در کار نیست ولی آنها همچنان امیدوارند که عزیزشان زنده شود و به خانه برگردد.

وقتی می‌خواهید وارد فرآیند رضایت‌گیری شوید اولین قدم‌تان چیست؟

مسلما کار باید با تسلیت و دلداری شروع شود طوری که خانواده‌ها به این نتیجه برسند که آدمی مثل من درد آنها را می‌فهمد. قدم بعدی نیز اطمینان دادن به آنهاست که تا آخر کنارشان می‌مانیم و بار مالی را از دوش شان برمی داریم. نگرانی‌های مالی یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های این خانواده‌هاست برای همین وقتی در شورای شهر بودم مصوبه‌ای را تصویب کردیم تا همه هزینه‌های مربوط به آمبولانس، قبر و کفن و دفن را شهرداری تقبل کند. این مصوبه خوشبختانه هنوز هم اجرا می‌شود.

شما تا به حال چند رضایت گرفته اید؟

۱۱۸ بار.

و این تعداد رضایت، باعث عمر دوباره برای چند نفر شده؟

هر فرد مرگ مغزی می‌تواند هشت عضو خود را اهدا کند اما اگر به طور میانگین چهار عضو قابل اهدا را ملاك قرار دهیم می‌شود چیزی بیش از ۴۷۰ عمر دوباره برای آدم‌های نیازمند.

غم‌انگیزترین رضایتی که تا به حال گرفته اید چه بوده طوری که دل خودتان هم سوخته باشد؟

همه پرونده‌ها سخت و غم‌انگیز است و مورد راحتی را به یاد ندارم اما وقتی قرار است رضایت اهدای عضو کودك مرگ مغزی شده‌ای را بگیرم کار از همیشه سخت‌تر است.

در این جور مواقع به خانواده چه می‌گویید تا راضی شوند؟

من می‌گویم وقتی اعضای بدن فرزندت را می‌بخشی می‌توانی جان عده‌ای را نجات دهی. پس وقتی قلب او را می‌بخشی همین قلب در سینه شخص دیگری خواهد تپید و آن وقت شما می‌توانید فرزند خودتان را در فرد گیرنده عضو حس کنید.

این جملات شعاری به نظر نمی‌رسد؟

الان شاید این طور به نظر بیاید اما وقتی ما سر صحنه هستیم این جملات واقعا معجزه می‌کند.

می‌گویند در اسپانیا که سردمدار اهدای عضو در جهان است پروسه رضایت‌گیری از خانواده‌ها نهایتا پنج دقیقه طول می‌کشد اما درکشورمان در برخی موارد باید ساعت‌ها و روزها چانه زد. شما به طور میانگین برای رضایت گیری از خانواده‌ها چقدر وقت می‌گذارید؟

نمی توانم عددی را اعلام کنم چون برخی خانواده‌ها که با مرگ مغزی و اهدای عضو آشنا هستند پس از این که دکتر قطع امید کرد، با اهدای عضو موافقت می‌کنند ولی عده‌ای نیز هستند که سخت دل می‌بُرند و رضایت می‌دهند. به هرحال من تلاش می‌کنم در مواجهه با این خانواده‌ها حتی به خواهش و تمنا هم متوسل شوم.

دقیقا چطور؟

خواهش می‌کنم باور کنند عزیزشان از دنیا رفته و التماس می‌کنم اجازه ندهند اعضای بدنش زیر خاك بپوسد و تمنا می‌کنم به بیماران نیازمندی فکر کنند که چشم امیدشان به این اعضای اهدایی است.

کسانی که در پرونده‌های صلح و سازش کار می‌کنند برای رضایت‌گیری از اولیای دم حتی دست آنها را می‌بوسند. شما هم چنین کارهایی کرده‌اید؟

بله بوسیده‌ام. یادم هست یك بار فرزند مادری مرگ مغزی شده بود و من برای رضایت‌گیری به خانه‌شان رفتم اما این مادر حتی اجازه نمی‌داد وارد خانه شوم چه برسد به این که حرف اهدای عضو را پیش بکشم. اما من ناامید نشدم و با وساطت دوستان بالاخره وارد خانه شدم در حالی که می‌شنیدم این مادر داغدیده می‌گفت لازم نکرده بیاید و حرف بزند. خاطرات ما اصلا خاطرات خوبی نیست. برخی از این خانواده‌ها آدم‌هایی مثل من را ضد خودشان می‌دانند.

یعنی به چشم کسی که به اعضای بدن فرد مرگ مغزی شده طمع دارد؟

همه نه ولی برخی خانواده‌ها واقعا این نگاه را دارند. الان در استان ما بحث اهدای عضو تا حد زیادی جا افتاده اما تا فرهنگ‌سازی شد کار بسیار سخت بود و ما حتی حرف‌های رکیك هم می‌شنیدیم گرچه به خانواده‌ها حق می‌دادیم و در مقابلشان فقط سکوت می‌کردیم.

اولین رضایتی که گرفتید یادتان است؟

اولین رضایت مربوط به یك نوجوان ۱۴ ساله که بر اثر تصادف، مرگ مغزی شده بود و مادرش اهل یکی از دهات یاسوج است. این مادر به قدری ناراحت و آشفته بود که نمی‌شد نزدیکش شد. موقعی که به بیمارستان رسیدم، او پشت شیشه ایستاده بود و به فرزندش نگاه می‌کرد و هنوز امید داشت. حتی وقتی دکتر آمد و گفت که باید دستگاه‌ها کشیده شود، گفت دستگاه‌ها را به خانه می‌برم و از یك روز تا صد سال هم که شده از فرزندم مراقبت می‌کنم. من تا آخرین لحظات در بیمارستان کنار این مادر ماندم و دلداری‌اش دادم و وقتی هم که به خانه رفت با او رفتم.

اولش جرات نمی‌کردم حرف بزنم و همین‌طور کنارش نشستم، درحالی که او گریه و زاری‌های جگرخراشی می‌کرد. وقتی کمی آرام شد با او درباره این که امکان بازگشت فرزندش به زندگی وجود ندارد حرف زدم و جملاتی گفتم که حس کردم دارد کم‌کم قانع می‌شود. او فقط به من گفت خودت را جای من بگذار و من هم که خودم را واقعا جای او گذاشته بودم به او حق دادم اما خوشبختانه این مادر فهیم رضایت داد و اعضای بدن پسرش اهدا شد.

این پسر به چند نفر عمر دوباره داد؟

به سه یا چهار نفر که همگی در نوبت دریافت عضو بودند.

این مادر متوجه اهدای اعضای فرزندش شد و فهمید که پسرش جان چند نفر را نجات داده؟

بله ما گزارش کامل را به خانواده‌ها می‌دهیم.

واکنش‌اش چه بود؟

بسیار خوشحال شد و این خوشحالی هم در چشم‌ها و هم در کلامش موج می‌زد. اصلا همه خانواده‌هایی که اعضای بدن عزیزشان را اهدا می‌کنند پس از خاکسپاری و کمی آرام شدن، همین حس خوشحالی را تجربه می‌کنند.

با وجود سختی‌هایی که در این راه کشیده‌اید باز هم ادامه می‌دهید؟

بله با کمال میل این کار را ادامه می‌دهم.

مسلما خودتان کارت اهدای عضو دارید. آیا توانسته‌اید اطرافیان‌تان را نیز به اهدای عضو ترغیب کنید؟

بله اقوام درجه اول من همه کارت اهدای عضو دارند.

فامیل چطور؟

اکثر فامیل هم این کار را کرده‌اند.

خدای نکرده اگر روزی اتفاقی برای فرزند، همسر یا یکی از عزیزانتان بیفتد و یکی از آنها دچار مرگ مغزی شود، فکر می‌کنید برای تصمیم‌گیری به چند دقیقه وقت نیاز دارید؟

مطمئنم کار به دقیقه نمی‌کشد.

نگرانی از آمار اهدای عضو

ایران با داشتن شاخص 14pmp روی جایگاه نخست اهدای عضو از فرد دچار مرگ مغزی در قاره آسیا و روی جایگاه سی و هفتم میان کشورهای مختلف جهان ایستاده است.

این خبری است که چندی پیش، مهدی شادنوش، رئیس مرکز مدیریت پیوند و امور بیماری‌های وزارت بهداشت در حاشیه نشستی در دانشگاه علوم پزشکی گیلان به رسانه‌ها اعلام کرد و گفت: افزایش شاخص اهدای عضو در کشورمان با همت مراکز دولتی و غیردولتی به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهادی مثل انجمن اهدای عضو ایرانیان به دست آمده است.

او در این نشست با بیان این که شاخص اهدای عضو در کشور در ۲۰ سال گذشته، ۶۰ برابر شده است، عنوان کرد: در حالی که در سال‌های ۹۶ و ۹۷ شاخص اهدای عضو در ایران روی عدد 11/26pmp قرار داشت، امسال این شاخص به 14pmp رسیده است.

اما pmp چیست؟ pmp شاخصی برای ارزیابی میزان اهدای عضو در کشورهای گوناگون است و هر pmp معادل اهدای یک عضو در سال به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت آن کشور است. بر این اساس اگر جمعیت ایران را بر مبنای آخرین اطلاعات مرکز آمار، حدود ۸۳ میلیون نفر در نظر بگیریم، با توجه به رشد ۲۵ درصدی شاخص اهدای عضو نسبت به سال گذشته پیش‌بینی می‌شود تا پایان امسال حداقل ۱۱۶۲ عضو از سوی خانواده‌های افراد دچار مرگ مغزی اهدا شود.

اما با وجود این، براساس آخرین آمار انجمن اهدای عضو ایرانیان، هم‌اکنون بیش از ۲۵ هزار نفر در سراسر کشور به عضو پیوندی نیاز دارند و آمار پایین اهدای عضو از افراد دچار مرگ مغزی باعث شده است روزانه بین هفت تا ده نفر از بیماران نیازمند دریافت عضو در ایران فوت کنند.

از سوی دیگر، تازه‌ترین آمار انجمن اهدای عضو ایرانیان حکایت از آن دارد که در کشور ما سالانه بین ۵۰۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر بر اثر تصادفات رانندگی یا دیگر سوانح شدید دچار مرگ مغزی می‌شوند که اعضای بدن بین ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ نفر از آنها قابل اهداست. این در حالی است که سال گذشته فقط ۹۲۶ خانواده راضی شدند اعضای عضو دچار مرگ مغزی خود را اهدا کنند. این نشان می‌دهد همچنان عمده خانواده‌هایی که عزیزی از آنها دچار مرگ مغزی می‌شود، راضی به اهدای عضو او نمی‌شوند و جالب‌تر این که هم‌اکنون فقط ۱۰ درصد هموطنان ما کارت اهدای عضو دارند. این آمارها نشان می‌دهد وضعیت اهدای عضو در ایران با وجود همه پیشرفت‌های صورت‌گرفته در دو دهه اخیر، نگران‌کننده است و فرهنگ‌سازی برای افزایش تعداد اهداکنندگان عضو در کشورمان همچنان باید ادامه یابد.

حق با شماست

info@jamejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲

#شبکه_آی‌فیلم

مولودی از قم:

چند بار به شبکه آی‌فیلم پیام دادم ولی منعکس نشده است. از مسؤولان شبکه آی‌فیلم درخواست می‌شود تا سریال مدیرکل را بازپخش کنند.

#عیدی_کارمندان

نمازی از تهران:

چرا دولت در تعیین میزان عیدی کارمندان، نرخ تورم را محاسبه و مورد ملاك قرار نداده است؟ مبلغ یك میلیون تومان عیدی، کدام یك از نیازهای یك خانواده را تامین می‌کند؟

#اتوبوس_فرسوده

جوادی از تهران:

تعداد اتوبوس‌های فرسوده تهران که حتی بخاری هم در این روزهای سرد ندارد، بسیار زیاد است. چرا مدیران شهری، اقدامی برای نوسازی ناوگان اتوبوسرانی انجام نمی‌دهند؟!

#طرح_آبیاری

شهروندی از شوشتر:

مسؤولان طرح آبیاری شهر شوشتر، بابت خدمات‌دهی و آبرسانی به زمین‌های کشاورزی این شهر در سال ۹۷ از تمامی کشاورزان درخواست پول کرده‌اند، این درحالی است که در این سال هیچ کشاورزی از این آب استفاده نکرده است.

#شرکت_خودروسازی

حسن‌زاده از تهران:

سال گذشته خودرویی ثبت‌نام کردم که بعد از تحریم‌ها اعلام شد باید با خودرویی دیگر تعویض شود. بنده طبق اطلاعیه این شرکت نوع خودرو را عوض کردم و ضرر آن را نیز به جان خریدم، ولی اخیرا خودروی تغییر داده شده دوباره در حال تولید است. تکلیف افرادی که مانند بنده خودرو را تعویض کردند و متضرر شدند، چیست؟

#دانشگاه_پیام‌نور

باقری از تهران:

متاسفانه به‌دلیل بی‌ارزش و نامعتبر بودن مدرك دانشگاه پیام نور، فارغ‌التحصیلان این دانشگاه فرصت‌های شغلی را از دست می‌دهند. حتی فارغ‌التحصیلان دکترا که سعی دارند در هیات علمی جذب شوند در مصاحبه ردصلاحیت می‌شوند. مگر این دانشگاه مورد تایید وزارت علوم نیست؟ جالب‌تر این است که حتی خود این وزارتخانه کمترین ارزش را برای این دانشگاه قائل است. مسؤولان محترم به این موضوع رسیدگی کنند.

#برنامه_زنده

عباسی از شاهرود:

از مسؤولان شبکه افق درخواست می‌شود برنامه‌های ضبط شده را دیگر پخش نکنند و مانند گذشته اجرای زنده داشته باشند